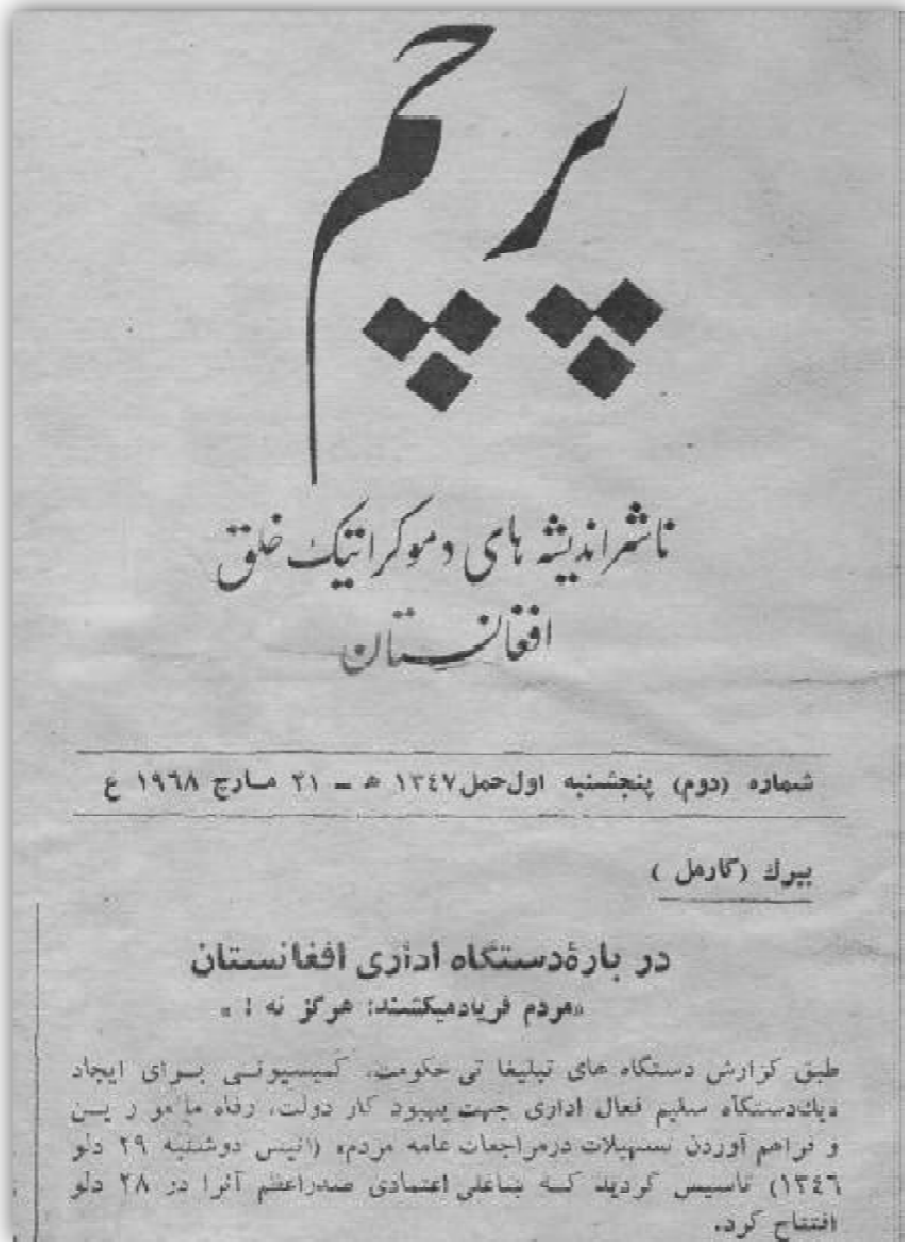


ببرک کارمل :

درباره دستگاہ اداری افغانستان

«مردم فریاد میکشند: هرگز نه!»



تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

طبق گزارش دستگاه های تبلیغاتی حکومت، کمیسیونی برای ایجاد «یک دستگاه سلیم فعال اداری جهت بهبود کار دولت، رفاه مأمورین و فراهم آوردن تسهیلات در مراجعات عامه مردم» (انیس دوشنبه ۲۹ دلو ۱۳۴۶) تأسیس گردید که بناغلی اعتمادی صدراعظم آنرا در ۲۸ دلو افتتاح کرد.

باستناد انعکاسات افکار عامه و بیانیه های وکلا در شورا و بخصوص بر اساس اعتراف غیرمستقیم بناغلی صدراعظم که در بالا تذکر رفت، دستگاه اداری دولت افغانستان سلیم نیست یعنی معیوب و فاسد است. فعال نیست یعنی راکد است. بهبودی در کار نیست یعنی منحل است. مأمورین دولت مصئونیت و رفاعیت ندارند، یعنی به فساد و رشوه ستانی سوق داده میشوند. تسهیلات در مراجعات عامه مردم وجود ندارد، یعنی مردم آزار است.

حقایق تلخ و مهلك دستگاه اداری کشور مبین این واقعیت است که وطن ما به موازات یک تحول بنیادی به یک اصلاح عمیقی در دستگاه اداری شدیداً نیازمند است. «به منظور اینکه دستگاه اداری دولت طبق منافع یکی دو طبقه و قشرهای ممتاز کوچک جامعه بکار برده نشود مصالح عالییه طبقات عظیم خلق های دهات و شهرهای کشور ایجاب می نماید که این دستگاه روی واقعیت های اجتماعی و علمی اصلاح گردد.

برای تحقق بخشیدن باین منظور بحیث وظیفه فوری علیه جمله فساد اداری، خودسری ها، بی قانونی و بی دسپلینی، ارتشأ، شیوه های کاغذ پرانی و معطلی عمدی کارهای مردم و استبداد مبارزه بعمل آید.

برای تهیه زندگی شرافتمندانه و شایسته معلمان، مأموران، اجیران، مستخدمان دولت و مؤسسات، تدابیر مؤثر اتخاذ می گردد» (فقره پنج فصل سوم امور اجتماعی- مرامی دموکراتیک خلق).

واقعیت اینست که: ". . . دموکراسی و قانون اساسی تا کنون در حرف است نه در عمل. ظلم و ستمگری با تمام وحشت خود در جامعه حکمفرماست، مردم آزاد نیستند، هزاران انسان مظلوم وطن در دستگاه فاسد اداری حکومت سرگردانند، طبقات حاکمه و متنفذین محلی خودسرانه حقوق خلف کارگر را با بیرحمی لگدمال میکنند، رشوه ستانی و قانون شکنی آنها نه حدودی دارد و نه جزایی"

بنابراین، مصالح وطن و مردم ما هرچه زودتر ایجاب می نماید که نخست چگونگی و عیوب عمده علل اساسی امراض دستگاه اداری دولت افغانستان بصورت عمیقی افشا گردد و در ضمن بصورت

کلی فورمولبندی شده طریق واقعی ریشه کن ساختن و راه ایجاد یک تحول بنیادی در دستگاه اداری کشور نشان داده شود.

خصوصیت و عیوب عمده دستگاه اداری افغانستان:

حقایق مبین این واقعیت است که دستگاه موجود دولتی افغانستان بطور عموم، وسیله زجر دهنده ایست در دست یک گروه محدودی از مأمورین بالارتنه یا بیروکرات های ناترس از "زور قضاوت ملی" که از طبقه حاکمه ارتجاعی نمایندگی میکنند. پایه های دستگاه اداری کشور بر شالوده استبداد، ارتجاع و بقایای شیوه استعماری استوار است. گروه محدودی از صاحبان قدرت، دستگاه اداری را بمثابه وسیله نیرومند برای حفظ منافع و امتیازات خویش، بمقصد تحت ستم قرار دادن مردم و بهره کشی بی رحمانه توده های عظیم خلق کشور، بمنظور اجازه دادن نفوذ نظرات سؤ استعماری در داخل چرخهای دستگاه اداری حکومت، اعم از ساحه اقتصادی، مالی، تجاری، فرهنگی و سیاسی بکار می برد.

درست است که در دستگاه اداری کشور یک عده معدودی از قشر فوقانی طبقات زحمتکش، در این اواخر راه یافته اند، ولی به کمال تأسف باید خاطر نشان ساخت که دستگاه اداری را چنان عیوب اساسی و امراض مزمن فراگرفته است که به استثنای یک عده از مأموران کم رتبه و متوسط رتبه، دیگر اکثریت آن ها در «کان نمک، نمک شده اند» و از طبقه و مردم خود جدا گردیده و حتی طبق دستور، گرداننده سیاست ضد مردمی اند. به هر حال باید در نظر داشت که تعیین کننده سیاست دستگاه اداری کشور مشتی از صاحبان نفوذ و با امتیاز است، نه مأموران متوسط رتبه و کم رتبه که مجریان دستور اند. دستگاه اداری به اندازه ای از نیاز زمان به دور است که حتی سه حکومت پیهم مجبور شده اند که در خط مشی خود اقلماً از لحاظ «نظری» داد سخن از ضرورت اصلاح دستگاه اداری بزنند. دستگاه اداری افغانستان بنا بر خصوصیت ضد مردمی و ضد دموکراتیک خود قادر نیست که افکار عامه، نظارت عامه، و مصالح عامه را بپذیرد. روی این خصوصیت است که حتی قوانین موضوعه دولت نمی تواند مورد تطبیق قرار گیرد. یکی از مشخصات روبنایی کشورهای عقب مانده مثل افغانستان، عدم اجرای صحیح قانون است که در اثر آن آزادی های اولیه و اساسی مردم به نفع استبداد و ارتجاع و استعمار بی رحمانه لگدمال می شود و اعتنایی به ارزش های قانون اساسی کشور نمی گردد.

در ماده یکصد و دهم قانون اساسی تذکر رفته که: «از جمله اهداف این قوانین تعمیم جرگه ها تا درجه قری و تأمین اشتراک روزافزون آن در اداره محلی می باشد.» ولی علی رغم این روحیه دموکراتیک

قانون اساسی، در سیستم اداری ما اصل مرکزیت به حد افراط رسیده و کوچکترین امور مربوط به اطراف ولایات و محلات طبق دستور از مرکز، از کابل، از وزارت خانه ها به صورت کیف مایشاً بعمل می گردد که در نتیجه باعث عقب ماندگی فوق العاده وحشتناک ولایات و مناطق دور افتاده کشور، از نظر اقتصادی و فرهنگی، گردیده است.

از فحوای نظرات حکومت و استنباط نادرستی که از فیصله های ولسی جرگه راجع به تنقیض بودیجه از لحاظ تشکیلات بوجود آمده، چنین معلوم میشود که حکومت می خواهد یک عده از مأمورین کشور را بدون اینکه کارهای مفید و تولیدی برای آنها تهیه ببیند، به اصطلاح «اضافه بست» نماید.

به کمال تأسف باید اعلان داشت که سیاست تبعیض قومی، زبانی و مذهبی و طبقاتی از سالیان دراز دامنگیر دستگاه دولتی افغانستان است.

پرواضح است که در دستگاه اداری افغانستان راه ترفیع و اشغال کرسی های بلندبالا و ایجاد زنده گی مرفه برق آسا، صرف برای آن اقلیتی امکان پذیر است که طرفدار جدی سیاست دستوری محافل حاکمه کشور باشند.

اساساً تا کنون مسأله مسئولیت، شایسته گی، صلاحیت، استعداد، وطن پرستی و ترقی خواهی عده کثیری از مأموران زحمتکش و تحصیل کرده در رشته های سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و فنی مطرح بحث حکومت ها در افغانستان نیست.

در دستگاه اداری موجود کشور اکثریت مطلق تحصیل کرده گان در رشته های غیرمسلکی خود مشغول کار اند. طبق تحقیقات و آزمایش های که صورت گرفته است، بیش از ده فیصد استعداد تحصیل کرده گان در کشور، بهره برداری نمی گردد و حد اوسط در تمام طول و عرض دستگاه اداری بیش از یک الی دو ساعت کار با ثمر و مثبت انجام داده نمیشود.

نظام بیروکراسی فاسد و کارشکن در امور کاغذپرانی های بی مورد، عدم احساس مسئولیت و هرج و مرج در کارها، مقررات پیچیده و ناقص، کندی هلاک بار جریان امور از آن مسایل مبرهن است که هر روز فریاد مردم را بلند می کند.

رشوه ستانی در دستگاه اداری کشور مرض حاد و کشنده دیگری است که یکی از نمونه های وحشتناک رشوت ستانی در جهان معاصر به شمار میرود. مسأله ارتشاً و رشوه ستانی چنان بی شرمانه در دستگاه اداری کشور شیوع دارد که کارد را به مغز استخوان مردم رسانیده است. مأموران و متنفذین محلی برای مردم جز پوست و استخوان چیز دیگری بجا نگذاشته اند.

درباره حیف و میل عواید و سوء استفاده از بودیجه عادی و انکشافی دولت اینقدر کافیتست که چند رقم فیصدی زیرین را به صورت یک تحقیق تخمینی که وقتاً فوقتاً، از طرف متخصصین خارجی و داخلی به صورت یادداشت های تحریری و شفاهی، به وزارت پلان سپرده شده ارایه کنیم: به طور متوسط تخمیناً در حدود چهل فیصد عواید دولت بنا بر نظام اداری نادرست و سوء استفاده به هدر می رود و از نصف دیگر در حدود ۶۵ فیصد به صورت معاشات به مصرف می رسد.

اکنون برای روشن شدن یک حقیقت تلخ لازم می افتد که منحصراً مثال مصارف مجموعی پلان دوم (مصارف عادی و انکشافی) دولت را به رقم ارایه کنیم که آن عبارت است از چهل میلیارد و چهارصد میلیون افغانی (تخمیناً در حدود ششصد میلیون دالر بر اساس نرخ بازار).

(توجه کنید: ششصد میلیون دالر، تقریباً معادل هشت روز مصارف جنگی امریکا در ویتنام).

کافیتست بگوئیم تأسف آور است!

اکنون خواننده عزیز درک می کند که با داشتن این عواید ناچیز دولتی که در حدود نصف آن از طریق کمک های خارجی به دست می آید، چطور قسمت اعظم آن را «دیو» بیروکراسی کشور ظالمانه می بلعد و خلق های ما را تحت ظلم و ستمگری و بهره کشی بی رحمانه قرار می دهد.

راه علاج فوری و بنیادی:

وطن محبوب ما نیازمندی های شدید و فوری به یک تحول اساسی و بنیادی دارد.

وضع موجود نمی تواند معالجه دردها و مشکلات عظیم کشور ما باشد. وطن ما در پهلوی دیگر تحولات اساسی احتیاج به یک تحول و تغییر کیفی و اساسی در دستگاه دولتی و اصلاح عمیقی اداری دارد.

زمان به سرعت برق به پیش می رود، مردم دیگر نمی توانند این کندی و رکود را تحمل کنند.

دستگاه اداری کشور به اندازه ای کهنه و فاسد گردیده است که حتی امکان آن را ندارد که به اصطلاح رفورم های مطروحه نیم بند حکومت ها را تعمیم نماید.

برای اصلاح اساسی و بنیادی دستگاه اداری دولت درین مرحله تاریخی فورمول های آتی راه نجات تلقی می گردد:

- باید دستگاه اداری ماهیت مردمی داشته باشد و بر مبنای اصل نظارت مردم و دادن سرنوشت مردم به دست خودشان و تعمیق دموکراسی استوار گردد. زیرا تا دستگاه اداری ما به شیوه دموکراتیک عمل ننماید و انعکاس دهنده آرمان های توده های مردم نباشد، نمی تواند در زمینه برش در کار، تحرک در کار و حاصل دهی در کار، فعال و با تقوای باشد.

ایجاد یک نظام نوین اداری از طریق تألیف منطقی مرکزیت دموکراتیک در کارهای اداری و ترتیب درست اصل رهبری عمومی از مرکز، با اصل دادن صلاحیت و اختیارات دموکراتیک برای مناطق و نواحی مختلف کشور در زمینه های رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ضروری بشمار می رود. اجرای این امر ایجاب می کند که تجدید نظر در تقسیمات ملکی طبق شرایط اقتصادی اجتماعی، کلتوری و غیره در چوکات پلان های واحد و سرتاسری کشور و تأمین حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مردم، بدون تبعیض بعمل آید.

- تجدید وقتاً فوقتاً تشکیلات اداری بر وفق شرایط و تغییراتی که در اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رخ می دهد.

- بوجود آوردن مؤسسات تولیدی و انتفاعی بر مبنای پلان عمومی انکشاف اقتصادی و بسط و توسعه سکتور دولتی اقتصاد و بکار انداختن قوای فعال کشور و تعمیم رشته های جدید و تخصصی و آموزش تخصص ها و واگذار کردن کار به اهل کار، ایجاد حس مسئولیت و انضباط و انعطاف پذیری و دادن صلاحیت و پرورش کادرهای کاردان، کاربر، صدیق، تدویر کننده، وطنپرست و ترقیخواه.

- از بین بردن ذهنیت تبعیض در سرتاسر دستگاه دولتی افغانستان.

- تأمین نیازمندی های مأموران دولت و خانواده هایشان بصورت عادلانه و قطع کامل ریشه ارتشاً از طریق تطبیق جزا های سنگین به رشوه ستانان و حامیان شان، بدون استثنی و تبعیض از بالا تا پایین.

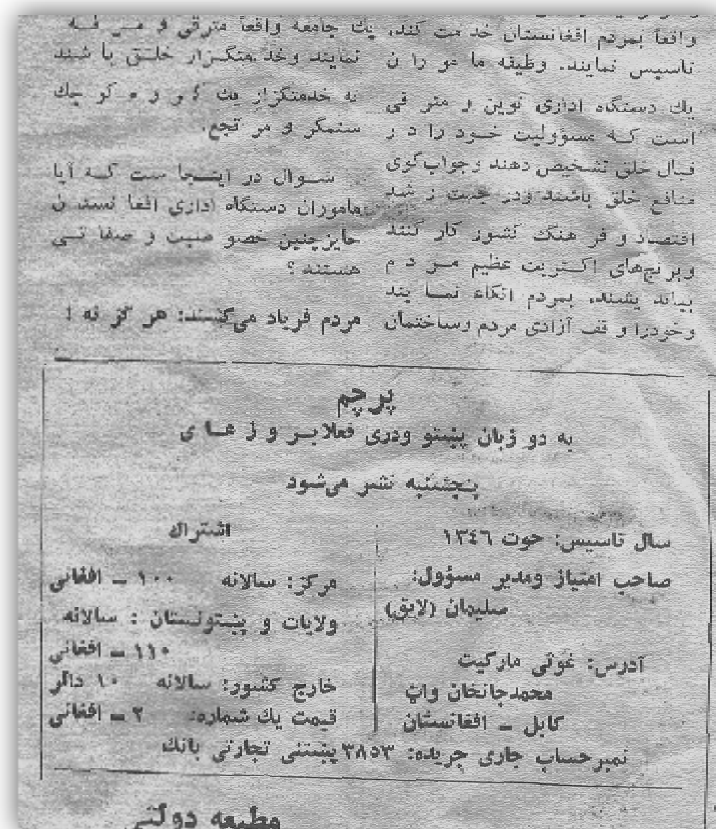
تجارب ملل پیشرو و ترقیخواه جهان، مبین این حقیقت است که ایجاد یک دستگاه اداری سالم و فعال جوابگوی نیازمندی های مردم، صرف از طریق قطع کردن دست مفت خواران اجتماع و ایجاد یک تحول اساسی در ماهیت طبقاتی قوای دولت که دستگاه اداری موجود آله و افزار کار آن هاست، امکان پذیر است باین معنی که تا در این مرحله تاریخی حکومت دموکراسی بر مبنای یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی بوجود نیاید، در وضع و احوال موجود امیدی برای هیچگونه اصلاحات عمیقی اداری برده نمیشود. ولو کمیسیون پرخرج تشکیل گردد و صدای دستگاه تبلیغاتی حکومت گوش ها را

کر سازد. حکومت ها در افغانستان از لحاظ ماهوی و شکلی ناتوان تر از آنند که واقعاً در راه رفع امراض مزمن و عمیق دستگاه اداری نقش مؤثری ایفا کنند.

این کار عظیم خلق افغانستان و نیروهای ملی و دموکراتیک، وطنپرست و ترقیخواه کشور است که با بسط و توسعه نهضت، حکومت دموکراسی ملی را ایجاد کنند و دستگاه اداری نوین، مترقی، مردمی و دموکراتیک یعنی دستگاهی را که واقعاً به مردم افغانستان خدمت کند، تأسیس نمایند. وظیفه ماموران یک دستگاه اداری نوین و مترقی است که مسؤلیت خود را در قبال خلق تشخیص دهند و جوابگوی منافع خلق باشند. در جهت رشد اقتصاد و فرهنگ کشور کار کنند و به رنج های اکثریت عظیم مردم بیاندیشند، به مردم اتکا نمایند و خود را وقف آزادی مردم و ساختمان یک جامعه واقعاً مترقی و مرفه نمایند و خدمتگزار خلق باشند نه خدمتگزار یک گروه کوچک ستمگر و مرتجع.

سؤال در اینجا است که آیا مأموران دستگاه اداری افغانستان حایز چنین خصوصیت و صفاتی هستند؟

مردم فریاد می کشند: هرگز نه!



www.esalat.org